

سخن سردیس

همپوشانی و تأثیر متقابل جنبه‌های تاریخی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، مذهبی و حقوقی، در موضوعات پزشکی به نحو برجسته‌ای قابل تشخیص است تا آن جا که می‌توان گفت، میراث قواعد آمره پزشکی را در هر ملتی آمیخته‌ای از یاخته‌های فوق تشکیل می‌دهند. بنابراین، اگرچه اخلاق، اصولی جهان شمول و تغییرناپذیر دارد، با تحولاتی که در عرصه‌های تاریخی- اجتماعی و تحت تأثیر آموزه‌های فلسفی و مذهبی، در محدوده‌های جغرافیایی مختلف، پشت سر گذاشته، تفاوت در سیاست‌های حقوقی که در بسیاری مواقع انعکاس دهنده جهت‌گیری اخلاقی حاکم در یک جامعه می‌باشند را به ارمغان آورده است.

در واقع اصول اخلاقی همچون استقلال، عدالت و سودرسانی و ضرر نرساندن، اگرچه در تقابل با موضوعات پیچیده‌ای که مرهون پیشرفت روزافزون مناسبات پزشکی و تکنولوژی‌های نوین زیست پزشکی است، در بطن خود با تعارضاتی مواجه خواهند شد، در مرحله تفسیر و تأویل نیز به شدت تحت تأثیر ملاحظات تاریخی، اجتماعی و مذهبی می‌باشند. تأثیر این نیروها حسب شرایط و اوضاع ملت‌ها و وابستگی‌های آنان، متغیر خواهد بود؛ اوج این تأثیر را در نظام‌های مکتبی که جهت‌گیری اخلاقی، محصول آرمان‌های منضوج در گرماگرم اندیشه‌های منسوق این مکاتب است، به نظاره می‌نشینیم؛ با وجود این، تاریخ نشان داده که همواره برخی مؤلفه‌های اعتقادی و فلسفی از حقایق و حیانی فاصله می‌گیرند و در مقابل تحولات اجتماعی و علمی، طفیل و ملعبه‌ای در دست اقلیتی، بیش نخواهند ماند.

بنابراین، بررسی همه جانبه چالش‌های مسائل و فناوریهای پزشکی، نه تنها حائز نگرش جامع و صحیح از مقوله‌های مورد بررسی خواهد بود، بلکه غالباً به یک یافته تطبیقی کارکردی خواهد انجامید به طوریکه بتوان با ملاحظه پیشینه و شرایط و اوضاع و

احوال هر کشور، نظری صائب صادر کرد و رویه‌ای ثاقب را پیش روی سیاست‌گزاران و مجریان نهاد، باشد که از ورای این جهد علمی، راهبردی سودمند جهت اجرای حداکثری اصول اخلاق پزشکی، به یادگار گذاشته شود. در این راستا، شاید یکی از موضوعات مرتبط با پزشکی که تحولات و تأثرات آن از مولفه‌های پیش گفته، در روح زمان و کالبد مکان‌های گوناگون به خوبی تبلور یافته و دیده‌های جستجوگر را تشحیذ و اذهان کند و کاو کننده را ترغیب کرده است، همین بحث سقط جنین اختیاری یا القایی باشد. سقط جنین از جمله مسایلی است که محصول تحولات علمی، پزشکی، اقتصادی، شرایط اجتماعی و سیاسی است و ارتباط تنگاتنگی با مفهوم نوین سلامت، انفجار جمعیت، محدودیت منابع، حقوق و آزادی زنان، مصالح دولت‌ها و ... دارد. البته سقط جنین، انحراف و کجروی جدید اجتماعی محسوب نمی‌شود، بلکه رویه و عملی است که در طول تاریخ با جوامع بشری همراه بوده است و چنان عوامل مختلف در آن تأثیر گذار بوده‌اند که گاه به سختی می‌توان یک نمودار رشد یا رکود را برای آن در بستر تاریخ قائل گردید. به هر حال، سقط جنین در تمامی اعصار به عنوان یک معضل اجتماعی وجود داشته است و شرع و اخلاق در رابطه با آن به قضاوت پرداخته‌اند. در عصر حاضر اما به دلیل پیشرفت علم و قابلیت تشخیص خطر حاملگی برای حیات مادر یا ناهنجاری‌های جنینی از یک سو و مشکلات روانی، اقتصادی و اجتماعی ناشی از زندگی در اجتماعات پیچیده و چند لایه کنونی از دیگر سو، آمار بالای سقط جنین جنایی و طبی و قرار گرفتن آن در کانون توجه را حاصل نموده است.

در دورانی که سقط جنین در سطح قابل توجهی در جریان داشت، به موضوعی سیاه و زیرزمینی تبدیل شده بود که تهدید سلامت جسمی و روحی، تمایل به خودکشی و انزواطلبی بین زنان از عوارض آن بوده و هست. به دنبال مواجهه با چنین عواقبی و در پی شکل‌گیری جنبش‌های آزادی‌خواهانه و تغییر نگرش به مسئله حقوق جنین و مادر و نیز تأکید و استناد بر مصالح اجتماعی- اقتصادی منبث از پیش‌فرض‌های اخلاق ماتریالیستی و انگاره‌های سکولار، بسیاری از کشورها با تجویز هرچه بیشتر سقط درمانی

در صدد کاهش مرگ‌های ناشی از سقط جنین غیربهداشتی و غیرقانونی برآمدند؛ اما هنوز هم در بسیاری از نقاط جهان، بحث‌های جنجالی پیرامون قانونی و اخلاقی بودن یا نبودن سقط جنین وجود دارد!

در این میان سقط جنین در آیین شرع و به تبع آن در نظام‌های حقوقی مبتنی بر تشرع، با محدودیت‌های فراوانی پذیرفته شده است. از جمله در دین اسلام و مذاهب مختلف آن می‌توان این منع و تحذیر از اسقاط جنین و تحدید اختیار در خاتمه به حیات او را به وضوح در عقاید فقها مشاهده کرد. در جایی که سقط جنین با ارتکاب عمل مجرمانه، عامداً یا سهواً منجر به تجاوز به حق می‌شود (خصوصاً حق مادر)، هیچ یک از نظام‌های حقوقی اعم از لیبرال، سکولار و دین محور، تردیدی در جرم انگاری و تنبیه خاطی نورزیده‌اند؛ اما سؤال اینجاست که در مواردی که با رضایت مادر یا والدین سقط جنین صورت می‌گیرد و مصالح جمعی و فردی نیز در گرو تجویز آن است، آیا کماکان پاسخ شرع و به تبع آن قانون، تحریم خواهد بود یا تجویز؟ و اگر شقّ اخیر مورد پذیرش است، محدوده این تجویز تا کجاست؟

مجله علمی حقوق

امروزه، با مشاهده و بررسی قوانین، مقررات و رویه‌های حاکم و ناظر بر عمل سقط جنین در کشورهای مختلف، شاهد گستره متکثری از جهت‌گیری‌های متنوع هستیم که در رابطه با اصل عمل سقط جنین و مصادیق متعدد وابسته به شرایط و معاذیر آن، در چهارچوب سیاست تقنینی مبتنی بر عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، اعتقادی و فرهنگی، به تصویب و اجرا رسیده‌اند. بررسی این قوانین و توجه به میزان توفیق هر یک با توجه به شرایط و اوضاع و احوال زمانی و مکانی، ضمن دقت در بازتاب‌های فردی و اجتماعی رویه‌های قانونی متخذه، نقشه‌ای است سودمند که در گزینش راهبردهای مؤثر و مبتنی بر اصول و مصالح، در رابطه با ترسیم حدود و ثغور منع و جواز در سقط جنین و مسائل و فروع گسترده پیرامون آن، شایان توجه و بکارگیری است. با بررسی ضوابط قانونی سقط جنین درمانی در حقوق ایران، این نتیجه حاصل می‌شود که قانون در مواردی نیاز به اصلاح بر مبنای توسیع و تفسیر موسع دارد. سقط جنین‌های نامشروع اولین دغدغه

نیازمند توجه است. توضیح این که با توجه به چشم‌انداز خانوادگی و اجتماعی دهشتناک فراروی چنین اطفالی، حقوق ناقص قانونی و مسائلی از این دست، همگی ضرورت درمانی بودن و تجویز قانونی سقط جنین در این زمینه را بیش از پیش آشکار می‌نماید. مسأله بعدی راجع به بیماری‌های مادر و جنین است که به نظر می‌رسد با توجه به امکان تفسیر تهدید حیات مادر و اشتغال آن به مواردی که سلامت جسمی یا روانی مادر در جریان بارداری و زایمان به مخاطره می‌افتد، و به گونه‌ای (ولو غیر مستقیم) تهدیدکننده حیات مادر است از یک طرف و گسترش بیماری‌های جنینی موجب سقط با توجه به امکان برداشت موسع از مفهوم حرج مادر و گسترده شدن موارد شمول آن به بیماری‌هایی که باعث می‌شود کودک، عمری با رنج و هزینه قابل توجه مادی و معنوی زندگی احتمالاً سختی را برای خود و والدین و جامعه‌اش رقم بزند، راهکاری دیگر جهت اجرای مؤثر قانون است. در واقع این‌ها رهیافت‌هایی مؤثر جهت حفظ کارکرد قانون در راستای کاستن از موارد سقط جنایی و دفع عواقب ناگوار آن و آثار فردی و جمعی ناشی از تولد نوزادان نامشروع و سخت‌گیری در سنجه تهدید حیات مادر یا حرج او به واسطه تولد نوزاد نابهنجار، برای برداشتن گامی بلند در مسیر نیل به عدالت می‌باشند؛

یافته‌هایی که محل اجماع مطالعات فلسفی، اخلاقی و مذهبی و بر پایه مصالح فردی و اجتماعی می‌باشند. اما در همین جا هنوز هم نقش غلیظ یک باور و حیانی را نمی‌توان نادیده گرفت و آن حلول کرامت انسانی مقارن با ولوج روح بر جنین در آموزه‌های اسلامی است؛ حقیقتی که کمتر امکان تعدی به انسان را در بطن مادرش می‌دهد و نه تنها محدودیت به شمار نمی‌آید بلکه حافظ امنیت انسان و قاطع شیب لغزنده‌ای است که کشورهایی همچون کانادا در ورطه آن گرفتار آمده‌اند و به بهانه‌های پوچ و دموکراتیک مآبانه، همچون جنایت‌پیشگان و وحوش، جنین تکامل یافته را از رحم مادرش به بیرون می‌افکنند، تا جرح دیگری این بار با صلاح دهن پرکن حقوق زن و عقل‌گرایی مدرن، بر تارک پر از زخم بشریت حک نمایند.

سردبیر